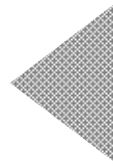


# بایسته‌های تولید ثروت در زیست ایمانی و سبک زندگی شیعی



شهر روز شریعتی<sup>۱</sup>

مهدی عباسی شاهکوه<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۲/۱۲/۳ - تاریخ تصویب ۹۳/۶/۲۵)

## چکیده

برخلاف دیدگاه‌های سنتی که توسعه را مقوله‌ای اقتصادی ارزیابی می‌کند، رویکردهای جدید؛ توسعه را حاصل باورها و رویکردهای فرهنگی جوامع دانسته و بر این باورند که بنیان‌های توسعه، فرهنگی است. در همین حال، دین و مذهب را می‌توان بارزترین و تأثیرگذارترین عامل فرهنگی و مؤثر بر شکل‌گیری جهان‌بینی‌ها و تفسیر از حیات مادی بشری دانست. از این منظر مکاتبی که انسان را به رهبانی‌گری و انفصال و ترک دنیا و توجه صرف به آخرت نیل می‌دهند، موجبات عدم توسعه‌یافتگی و تقدیرگرایی را برای جوامع فراهم می‌آورند و در مقابل مکاتب و مذاهبی که راه سعادت و کمال انسانی را در تلاش مؤمنانه برای آبادانی دنیا در این جهان معرفی می‌سازند، بالقوه می‌توانند موجب تغییر اجتماعی شوند و در نتیجه توسعه ملی را تسهیل کنند. در این میان مکتب تشیع با ترسیم دنیا به مثابه مزرعه آخرت همواره بر مسئولیت اجتماعی پیروان

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، shariati@modares.ac.ir

۲- دانشجوی دکترای علوم سیاسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات شاهرود، abbasish@vatanmail.com

تأکید می‌کند و با طرد زندگی منفعلانه تلاش برای تولید ثروت را به مؤمنان در چارچوب عبادت و تقرب پروردگار سفارش می‌کند. همچنین بر اساس آموزه‌های شیعی، کسب مال حلال و صرف آن در چارچوب تحقق دستورات الهی بسیار مورد نظر قرار گرفته و بر آن تأکید شده است؛ این مقاله با ملاحظه این اصل عقلی که «مقدمه واجب، واجب است» نشان داده است یک مسلمان شیعه برای داشتن سبک زندگی صحیح و زیست مؤمنانه و نیل به برخی از الزامات بندگی ناگزیر باید توانمندی اقتصادی خود را نیز گسترش دهد و به تولید ثروت همت گمارد. این مقاله همچنین با بررسی برخی از وظایف مؤمنانه که پیش از تحقق، مستلزم تولید ثروت است این موضوع را با استناد به سیره عملی معصومین جایگاه تولید ثروت را از منظر باورهای شیعی بررسی کرده است.

**واژگان کلیدی:** تولید ثروت، زیست ایمانی، اقتصاد اسلامی.

### مقدمه و طرح مسئله

وجود سرمایه‌های مالی و انباشت ثروت از جمله اصول ثابت توسعه به شمار می‌رود و از این منظر در صورت فقدان سازوکارهای انباشت ثروت، دستیابی به توسعه، آرمانی دور از دسترس به نظر می‌رسد، به بیان بهتر، توسعه‌یافتگی مستلزم ملزوماتی نظیر فناوری روزآمد و پیشرفته است که بدون در نظر گرفتن انباشت سرمایه و ثروت احتمال تحقق آن دور از ذهن خواهد بود. در این باره می‌توان به تجربه بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته اشاره کرد که در عین ثروتمندی و بهره‌مندی از استعدادهای طبیعی و خدادادی به واسطه ناتوانی در استفاده از منابع ثروت بسیار ناتوان، فقیر و ضعیف هستند. در این میان ایران به مثابه پایگاه اصلی تشیع در جهان با وجود منابع تحت‌الارضی همچون نفت، گاز، معادن سنگ فلز و در کنار نیروی انسانی مستعد اگرچه کشوری ثروتمند به شمار می‌رود اما به موجب فقدان توانمندی استخراجی لازم و توان کافی برای بهره‌وری و بهره‌مندی از این ذخایر، با وجود برخی پیشرفت‌های انکارناپذیر همچنان نتوانسته است متناسب با جایگاه واقعی خود در جهان ظاهر شود. به همین روی تلاش برای تولید و انباشت ثروت، از ضرورت‌ها و بایسته‌هایی است که نمی‌توان در مسیر پیشرفت و توسعه کشور از آن چشم‌پوشی کرد. اما آنچه موجب ایجاد روحیه توسعه‌طلبی و تغییرات اجتماعی توسعه

می‌شود، نوع فرهنگ و جهان‌بینی حاکم بر جامعه است که در آن زندگی مادی و دنیوی بر اساس باورداشت‌ها و هویت ملی تعریف و تفسیر می‌شود؛ در این راستا دین و مذهب را می‌توان بارزترین و تأثیرگذارترین مقوله شکل‌گیری جهان‌بینی‌ها و تفسیر از حیات مادی بشری دانست. از این منظر ادیانی که انسان را به رهبانی‌گری، ترک دنیا و توجه صرف به آخرت نیل می‌دهند، موجبات عدم توسعه‌یافتگی و تقدیرگرایی را برای جوامع فراهم می‌آورند و در مقابل مکاتب و ادیانی که راه سعادت و کمال انسانی را در آبادانی دنیا و اعمال نیک در این جهان معرفی می‌سازند، بالقوه می‌توانند موجب تغییر اجتماعی شوند و در نتیجه توسعه ملی را تسهیل کنند.

در این بین مکتب تشیع با ترسیم دنیا به مثابه مزرعه آخرت، مابه‌ازای اجتماعی و تلاش برای خدمت به جامعه اسلامی و نیکی به مردم را بیش از ادیان، مکاتب و مذاهب دیگر مورد ستایش و توجه قرار داده است و به شدت در مقابل رهبانی‌گری، ترک دنیا، سستی، تبلی و بیکاری مقاومت می‌ورزد. در این راستا، روایات و دستورات مختلف و متعددی در آموزه‌های مکتب تشیع وجود دارد که به طرد زندگی منفعلانه پرداخته و تلاش برای تولید ثروت را به مؤمنین در چارچوب عبادت و تقرب پروردگار سفارش می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد در جامعه شیعی ایران این قبیل سفارش‌های مذهبی به دلایل مختلف کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است؛ از منظر پیشینه فکری و پژوهشی این تأملات نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که مجموعه آثار با این نگرش در ایران در سه نسل قابل ارزیابی است؛ نسل اول شامل آثاری است که با رویکردی توصیفی و اثباتی به رابطه دین و توسعه پرداخته و دین اسلام را نه تنها مانع توسعه و پیشرفت مادی نمی‌دانند؛ بلکه آن را موافق و راهگشای توسعه حیات مادی معرفی می‌کنند که آثار افرادی نظیر مرحوم آل‌احمد، بازرگان و شریعتی در این جرگه قرار دارند. این آثار به صورتی کلی مفاهیم اسلامی موافق توسعه و تغییر اجتماعی را فهرست کرده‌اند. نسل دوم آثاری را در بر می‌گیرد که با رویکردی واکنشی به ایدئولوژی‌های غیراسلامی به ویژه مارکسیسم و لیبرالیسم، به رشته تحریر درآمده و با نگرشی سلبی به روش‌های غیربومی و با دقت و ظرافت بیشتر در پی معرفی احکام اسلام به عنوان دینی کامل و جهانشمول برآمده است. آثار اقتصادی مرحوم طالقانی، شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید صدر در این دسته قرار می‌گیرند. نسل سوم نیز مشتمل بر آثاری است که با رویکردی ایجابی و با ظرافت‌های باز هم بیشتر از دو نسل گذشته بر مبانی فکری «توسعه» تکیه داشته و افزون بر آنکه توسعه را به مثابه یک بایسته و ضرورت

انکارناپذیر از منظر اسلام معرفی می‌کند، در عین حال می‌کوشد راهکارهای اجرایی توسعه و برنامه‌ریزی برای توسعه را مورد توجه قرار دهد. آثار معتابهی از اقتصاددانان حوزوی به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در این شمار ارزیابی کرد. با این وجود به نظر می‌رسد اکثر این آثار هنوز به دلایل متعدد بیشتر به تشریح کلیات و مبانی فکری و فقهی توسعه و برنامه‌ریزی پیشرفت در اسلام پرداخته و در عین حال کمتر بر توانمندی‌های فکری و فرهنگی «سبک زندگی شیعی» به ویژه در مقوله ضرورت تولید ثروت تمرکز یافته‌اند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد آنچه تا کنون در باب توسعه بر مبنای شریعت اسلامی نوشته شده بیشتر بیان کلیات و کمتر بر مباحث فرهنگ‌سازی یا الگوسازی شیعی بوده است و حال آنکه مقاله حاضر با نگاهی فرهنگ محور به مقوله ثروت، تلاش می‌کند تا حد امکان ضرورت تولید ثروت را با بهره‌گیری از الگوهای خاص شیعی به مثابه یک وظیفه ایمانی و عقیدتی برای شیعیان تبیین کند.

بر مبنای آنچه گفته شد، پرسش اصلی نوشتار حاضر بدین سان می‌باشد: «وجود چه مؤلفه‌هایی در مکتب تشیع، تولید و انباشت ثروت را از سوی پیروان الزام‌آور می‌کند؟» پاسخ ابتدایی به پرسش مطروحه بدین صورت خواهد بود: «برخی وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی مهم در سبک زندگی شیعی نظیر انفاق، دعوت، تألیف قلوب و نفی سبیل در صورت عدم تولید ثروت امکان تحقق و اجرا نخواهد داشت».

در این مقاله ابتدا به بررسی جایگاه دو مفهوم «تکاثر» یا انباشت ثروت و «زهد» یا پارسایی به مثابه دو نگرش و سبک زندگی متفاوت در قبال «ثروت» و «انگیزه تولید ثروت» در متون و اندیشه شیعی پرداخته می‌شود و در ادامه بر مبنای آرا و سیره عملی معصومین و علمای شیعی و با روش توصیفی و تحلیلی معنای این دو مؤلفه مهم بازشناسی خواهد شد؛ مقاله سپس به منقولات دینی در رابطه با کار، تلاش و تولید ثروت اشاره خواهد کرد و پس از آن با بررسی گزینشی چهار وظیفه مهم اجتماعی در زیست مؤمنانه و سبک زندگی شیعی یعنی «انفاق»، «دعوت»، «تألیف قلوب» و «نفی سبیل» به مثابه وظایفی که پیش از تحقق مستلزم تولید ثروت است به پرسش اصلی پژوهش پاسخ خواهد داد.

## ۱- تکاثر و انباشت ثروت در متون و اندیشه شیعی

بر اساس آموزه‌های آیات متعدد در قرآن کریم، مالکیت از آن خداست و آنچه در اختیار انسان قرار می‌گیرد، اماناتی است که باید به صورتی که خداوند حکم می‌کند، مورد استفاده قرار گیرد؛ به همین روی در آموزه‌های دین اسلام در مذمت حب به مال و دنیا فراوان سخن گفته شده است. در سوره منافقون آمده: «ای کسانی که ایمان آوردید، مبادا اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کند! و هر کس چنین کند پس آن‌ها از زیانکارانند» (منافقون، آیه ۹). در ادامه همین سوره آمده است: «و از آنچه روزی شما کرده‌ایم انفاق نمایید پیش از آنکه هر یک از شما را مرگ فرا رسد...» (منافقون، آیه ۱۰).

در همین حال، از منظر مکتب تشیع نیز حقیقت مال و نعمات دنیایی به مثابه ابزار و وسیله سعادت بشری برای رسیدن به خداست ولی شرط این سعادت آن است که انسان اموال و ثروت‌هایی که از سوی خداوند به دست او رسیده به عنوان امانتی بشمارد که باید در راهی الهی مصرف شوند. در این باره رسول اسلام (ص) می‌فرماید: «چون روز قیامت شود صاحب مالی را می‌آورند که مال خود را به مصرفی که خدا فرموده است رسانیده است، و مال او نیز پیش روی او می‌آید و چون به صراط می‌رسد هر جا که می‌ایستد و رفتن بر او مشکل می‌شود، مال او می‌گوید بگذر که تو حق خدا را در من به جا آوردی. پس دیگری را می‌آورند که اطاعت خدا نکرده است، و مال او در پشت سر او می‌آید چون به صراط رسد هر جا ایستد مال او گوید وای بر تو که در حق خدا کوتاهی کردی. پس چنین خواهد گفت تا او به جهنم افتد و هلاک شود» (نراقی، ۱۳۸۷: ۳۳۲). از این منظر مؤمن باید بداند که ثروت‌های دنیوی که در اختیارش قرار گرفته، برای صرف کردن در مسیر رضایت الهی است و همین امر در قیامت سبب فلاح و سعادت خواهد بود که در غیر این صورت خسران دیده و در شمار ستمکاران و زیان‌کاران قرار می‌گیرد.

مطابق آموزه‌های اسلامی و شیعی کسب ثروت از مسیر حلال نه تنها مذمت نشده بلکه مورد مدح نیز قرار گرفته چه آنکه پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «خوب چیزی است مال صالح از برای مرد صالح» (نراقی، ۱۳۸۷: ۳۳۴). در این باره در کتاب الحیاه نیز تصریح شده است: «مال صالح یعنی مال معتدل مشروع؛ و انسان صالح یعنی کسی که همه حقوق مال خود را بدهد، و زیادی آن را در راه خدا انفاق کند و این مالی است که در آخرت سودمند واقع می‌شود؛ پس دنیایی که خداوند متعال آن را برای کسانی با آخرت جمع می‌کند، دنیایی است که در چنین معرایی باشد

و به مدد آن چرخ جامعه، بر محور قرآن به گردش درآید و مؤمنان توانایی آن را پیدا کنند که به سرزمین‌های محتاج در معیشت کمک کنند، و البته در این باره (فعالیتهای اقتصادی) نیز که تأکید کرده است باید کار مطابق با موازین اسلامی و احکام فقهی و اخلاقی صورت بگیرد، و استثمار و مکیدن خون محرومان و به استضعاف کشیدن مستضعفان در کار نباشد، که شایسته است مال «صالح» باشد و در دست مردم صالح آری، اگر مال از راه‌های مشروع به دست آید، و در حقوق ظاهری و باطنی آن داده شود، و به احتکار و تکاثر نینجامد، و بیش از اندازه نباشد، و در میان گروه کوچکی از مردم نچرخد، و در راه برنامه‌های عمومی و توسعه‌های عمرانی و صنعتی و علمی و اجتماعی به مصرف برسد، هیچ مانعی برای فراهم آوردن آن وجود ندارد، بلکه اسلام به دست آوردن چنین مال و کسب کردن و تجارت کردن با آن را تحسین می‌کند، پس مال اگر صالح و مقتصدانه و در دست انسانی صالح یا مؤسساتی صالح باشد، مالی بسیار خوب است» (حکیمی و دیگران، ج ۱۳۸۰: ۱۶۳، ۴).

آنچنان که در فوق آمد، تشیع نه تنها با تولید ثروت مخالف نیست، بلکه بر ضرورت آن نیز با حفظ و رعایت احکام دینی و شریعت تأکید می‌ورزد. بر این مبنا کسب مال حلال و صرف آن در چارچوب فرمان الهی بسیار مد نظر آموزه‌های شیعی قرار گرفته و بر آن تأکید شده است، با این تفاوت که مالکیت از آن خداست و امانتی در دست مؤمن است. با این حال نکته قابل تأمل و اساسی که در منابع و متون شیعی باید مورد توجه قرار گیرد، وجه تفاوت تولید ثروت با مال‌اندوزی و مال‌پرستی یا تکاثر است. مطابق آموزه‌های اسلامی و شیعی مؤمن وظایفی دارد که بنا بر احیاء و انجام این وظایف، لازم است ثروت در اختیار داشته و در واقع از ثروت به عنوان ابزار و وسیله تقرب الهی بهره جوید و به جاری ساختن و احیاء دین اسلام و ترویج آن یاری رساند. این مسئله بدان مفهوم خواهد بود که مؤمن حق مال‌اندوزی را نداشته و تنها باید به اندازه ضرورت و ایجاد حداقل امکانات زندگی برای خویش و اهل منزلش از دنیا و مال بهره جوید و نیازمند دیگران نباشد. در این باره آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «دارایی و ثروت گرچه در تأمین زندگی و رشد و تعالی انسان، سهم دارد، اگر نگاه به آن ابزاری نباشد و هدف قرار گیرد، مایه سقوط آدمی و حرمان او از کمال و سعادت می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۷۶). همچنین احادیث بسیاری از رسول خدا و امام علی (ع) نقل شده که بر مذمت مال‌اندوزی و ثروت‌اندوزی حکایت دارد. پیامبر (ص) فرمود: «نابودی مردان امتم در گریز از دانش‌اندوزی و گرایش به

مال‌اندوزی است» (ابی‌فراس و بن‌عیسی، ۱۳۶۹: ۲۱). همچنین امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «بدانید فراوانی و انباشتگی ثروت مایه تباهی دین و قساوت دل‌ها می‌شود» (بن‌علی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۳۰۹). از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که آنچه مورد مذمت قرار گرفته و موجب سقوط انسان می‌شود، تولید ثروت و نگاه ابزاری بدان نیست؛ بلکه این ثروت‌اندوزی و پرستش مال دنیا است که انسان را از سعادت و تقرب الهی باز می‌دارد.

## ۲- زهد و پارسایی در متون و اندیشه شیعی

با وجود آنکه زهد و رهبانی‌گری در برخی موارد یکسان انگاشته می‌شود و واژه زهد نیز در لسان عربی به معنای بی‌رغبتی و دوری‌گزیدن است، اما «مقصود از زاهد، کسی نیست که به حکم غریزه به امور دنیوی بی‌میلی دارد، بلکه زهد به صورت یک مفهوم اخلاقی ذکر می‌شود و زاهد یعنی کسی که به حسب طبیعت و غریزه، به لذت مادی رغبت دارد، ولی به خاطر هدف‌ها و منظورهای بالخصوصی عمل و رفتارش مانند عمل مردم بی‌رغبت است؛ یعنی از چیزی که به آن میل و رغبت دارد به خاطر هدفی صرف نظر می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۴۱). امام علی (ع) در خطبه ۸۱ نهج‌البلاغه زهد را اینچنین معنا می‌کنند: «ای مردم! زهد یعنی کوتاه کردن آرزو، و شکرگزاری در برابر نعمت‌ها، و پرهیز در برابر محرمات» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: ۹۱). همچنین ملاحمد نراقی در کتاب «معراج السعاده» به تعریفی ساده از زهد پرداخته است: «بدان که ضد محبت دنیا و مال را زهد گویند. و آن عبارت است از: دل برداشتن از دنیا و آستین فشاندن بر آن. و اکتفا کردن به قدر ضرورت از برای حفظ بدن. و یا عبارت است از: پشت کردن به دنیا، و رو آوردن به آخرت. بلکه از غیر خدا قطع نظر کردن، و رو آوردن به خدا» (نراقی، ۱۳۸۷: ۳۴۰). بر این اساس دنیا کمال مطلوب نبوده که انسان در آرزوی نعمات و بهره بیشتر از آن باشد، اما به معنای دوری از کار و تلاش هم نخواهد بود.

عبارات فوق به این مفهوم است که مؤمن باید از هر آنچه غیر خداست چشم‌ببندد و از دنیا به غیر از اندکی برای خود نیندوزد؛ این بدان مفهوم است که مؤمنین برای خود به مال‌اندوزی نپردازند ولی برای ترویج دین اسلام و احکام الهی و نیز کمک به مستضعفین باید زمین را آباد ساخته و از کار و تلاش دوری نجویند. در این ارتباط شهید مطهری با طرد نگرش مذکور می‌گوید: «... اسلام به زهد دعوت و رهبانیت را محکوم کرده است. زاهد و راهب هر دو از تنعم و لذت‌گرایی دوری می‌جویند ولی راهب از جامعه و تعهدات و مسئولیت‌های اجتماعی می‌گریزد و آن‌ها را

جزء امور پست و مادی دنیایی می‌شمرد و به صومعه و دیر و دامن کوه پناه می‌برد، اما زاهد به جامعه و ملاک‌های آن و ایده‌های آن و مسئولیت‌ها و تعهدهای آن رو می‌آورد. زاهد و راهب هر دو آخرت گرایند، اما زاهد آخرت‌گرای جامعه‌گراست و راهب آخرت‌گرای جامعه‌گریز» (مطهری، ۱۳۹۱: ۲۱۷).

بنابراین در نگاه شیعه، زهد به معنای تلاش نکردن برای آبادانی دنیا و عزلت و گوشه‌نشینی نیست، بلکه زاهد کسی است که نعمات دنیوی، وی را از خدا دور نساخته و هر عملی که انجام می‌دهد، بدون آنکه اندک دوستی و حبی نسبت به دنیا پیدا کند، برای رضایت الهی و تقرب به خداوند صورت می‌گیرد. در همین راستا روایتی از رسول اسلام تصریح کننده عدم وجود زاویه‌نشینی و دوری‌گزینی از تلاش و مجاهدت خواهد بود: «پسری از عثمان بن مظعون (رضی الله عنه) مرد و بر او چنان غمگنده شد که در خانه‌اش مسجدی گرفت و در آن به عبادت پرداخت این خیر بر رسول خدا(ص) رسید به او فرمود: ای عثمان براستی خدای تبارک و تعالی بر ما رهبانیت و ترک دنیا نوشته، همانا رهبانیت اتم جهاد در راه خدا است» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۶۶).

### ۳- اهمیت کار و تولید ثروت در زیست شیعی

بدون تردید تولید ثروت و سرمایه بدون کار، تلاش و همت مردم قابل تحقق نیست و به همین منظور پیش از آنکه بحثی در مورد مؤلفه‌های تولید ثروت در اسلام صورت پذیرد، ابتدا باید مسئله نگرش اسلام شیعی به کار و تلاش اقتصادی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. در احادیث مختلفی از پیامبر اسلام از مردانی که به کسب روزی حلال از خانه خارج می‌شوند، به مثابه مجاهد فی سبیل الله نظر شده و کسب روزی حلال بالاترین عبادت محسوب می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۳۴۷). سیره عملی امام علی(ع)، حسنین(ع) و دیگر امامان معصوم(ع) نشان می‌دهد که ایشان برای توانمندسازی جامعه اسلامی روزها به کار و تلاش پرداخته و در جهت آباد کردن سرزمین اسلامی مساعی فراوان نمودند. در همین راستا آیات فراوانی در قرآن نیز وجود دارد که به آبادی زمین توسط انسان‌ها امر می‌کند: «او شما را از زمین آفریده و به آبادانی در آن گماشت» (هود، آیه ۶۱). یا در آیه‌ای دیگر آمده: «خداوند برای شما، همه آنچه در زمین وجود دارد، آفریده است» (بقره، آیه ۲۹). مروری بر این آیات نشان می‌دهد در آیات مذکور خداوند نمی‌گوید که زمین را آباد ساخته و در اختیار انسان قرار داده، بلکه با فراهم آوردن امکانات آبادانی و در اختیار گذاشتن منابع لازم و کافی عمران زمین را به انسان تفویض کرده است که



این امر با کار و تلاش فراوان محقق خواهد شد (مصباحی، ۱۳۷۵: ۱۴). امام صادق (ع) نیز در این راستا می‌فرماید: «هر قومی که مقداری از زمین را احیاء یا آباد سازد، نسبت به آن زمین سزاوارترند» (کلینی، ج ۴، ۱۳۶۳: ۴۴۹).

در این باره می‌توان به سیره عملی معصومین نیز توجه نمود که علی‌رغم رهایی از دام دنیا، دائماً به کار و تلاش برای آبادانی موطن خویش مبادرت می‌ورزیدند. نقل است که: «روزی فضل بن ابی قره به منزل امام جعفر صادق (ع) وارد می‌شود. امام (ع) مشغول کار و فعالیت در باغچه خودشان بودند. فضل عرض می‌کند: فدایت شوم! اجازه دهید من و یا غلامان شما این کار را انجام دهیم. امام (ع) فرمود: نه، من باید خودم انجام دهم چون دوست دارم، خداوند مرا در حال کار ببیند که روزی حلال را با زحمت به دست می‌آورم» (ابن بابویه، ج ۲، ۱۳۷۶: ۵۶). در همین راستا حسن بن علی بن حمزه از پدرش نقل می‌کند: «امام موسی کاظم (ع) را دیدم که در زمین خود کار می‌کرد و پاهای او غرق عرق شده بود. گفتم: فدایت شوم! کارگران کجايند؟ فرمود: ای علی! کسانی با دست خود در زمین خویش کار کردند که از من و پدرم برتر بودند. گفتم: کدام کسان؟ فرمود: رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) و همه پدرانم با دست خود کار می‌کردند و این سیره انبیاء، رسولان و صالحان است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۸).

از سوی دیگر پیامبر اسلام بارها فقر را آفتی برای حفظ دین دانسته و در مقابل تأکید کرده‌اند که «چه یاور خوبی است توانگری برای تقوای خدایی». در واقع فقر تحمیلی سبب از دست رفتن دین خواهد بود و ائمه معصومین هرچند از ثروت برخوردار بودند اما به دلیل خوار و پست دانستن دنیا در مسیر کسب رضایت الهی، هرآنچه به دست می‌آوردند انفاق می‌کردند و از این منظر فقر را به اختیار به دست می‌آوردند و بدان افتخار می‌کردند (کلینی، ج ۲، ۱۳۶۹: ۲۷۳). همچنین در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده است: «کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران بيفکند (و بخواهد از دسترنج مردم زندگی خود را بگذراند) رانده و مطرود درگاه باری تعالی است و نیز کسی که حقوق خانواده خود را ضایع کند، ملعون است» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۷).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود نظایر چنین سفارش‌هایی در آموزه‌های اسلام شیعی بسیار به چشم می‌خورد، با این همه به نظر می‌رسد آنچه اهمیت توصیه‌های پیشوایان شیعه و امامان معصوم را بیشتر آشکار می‌کند کارکرد سیاسی و اجتماعی تولید ثروت در جامعه شیعی و زیست مؤمنانه

است، چرا که بر این اساس می‌توان استدلال کرد بدون تولید ثروت انجام برخی از واجبات و بایسته‌های مذهبی که منجر به توانمندی شیعیان خواهد شد، معطل خواهد ماند؛ از این منظر، تحقق برخی وظایف مؤمنانه نظیر «انفاق»، «دعوت»، «تألیف قلوب» و در نهایت «نفی سیل» که متضمن داشتن توان اقتصادی و توسعه‌یافتگی است نیز مستلزم کار و تلاش اقتصادی و تولید ثروت است.

#### ۴- زیست مؤمنانه و بایسته‌های تولید ثروت

براساس آنچه پیش از این ذکر شد، اسلام شیعی به هیچ وجه رهبانیت، تنبلی و دنیاگریزی را تشویق نکرده و در مقابل با ساخت نگرشی الهی و معنوی از حیات انسانی، زندگی مادی را وسیله و ابزار سعادت بشر می‌داند. در این چارچوب آنچه هدف از زندگی دنیوی و مادی معرفی می‌شود، تحقق رضایت خداوندی است و مطابق با نص قرآن، هدف از خلقت «بندگی خداوند است» (ذاریات: ۵۶). از آنجایی که بر مبنای اصل عقلی «مقدمه واجب نیز واجب است» ایجاد توانمندی اقتصادی برای نیل به برخی از الزامات بندگی ضروری است، در ذیل به برخی از این موارد که نیازمند توانمندی اقتصادی است، اشاره می‌شود:

#### ۱.۴. انفاق

رسول اکرم (ص) فرموده است: «دوستان خدا روی فطرت و از اصل خلقت، سخی هستند. و سخاوت تعلق می‌گیرد به آنچه نزد بنده محبوب و مورد علاقه است... و شخص سخی دیگران را بر خود مقدم می‌شمارد، به دیگران اطعام می‌کند و خود گرسنه می‌ماند، دیگران را می‌پوشاند و خود احتیاج به لباس دارد، بذل و عطا می‌کند به دیگران و خود از قبول عطا امتناع می‌کند، و در مقام بذل و سخاء نه تنها متنی ننهد بلکه خود ممنون می‌شود. سخاوت مقابل بخل است، و بخل آنست که شخص بخیل نتواند دیگری را به حالت نعمت و ثروت و تشخص مادی و معنوی ببیند، تا برسد به آنکه خود احسان و انفاق و تعلیم و راهنمایی کند. و سخاوت نیز مانند بخل مراتب مختلفی پیدا می‌کند. مانند انفاق مال، تعلیم علم، تربیت ادبی و اخلاقی، اعطاء شخصیت و عنوان، و هر گونه بذل و بخششی که بدون غرض انجام بگیرد. سخاوت هنگامی در وجود یک شخص پیدا می‌شود که ایمان کامل به پروردگار متعال و به قدرت و نفوذ و احاطه و علم او بدست آورده، و جهان و جهانیان را تحت فرمان و حکومت مطلق او ببیند. انسان چون به این درجه ایمان

رسید، قهراً امور دنیوی و مادیات در نظر او کوچک و بی‌ارزش شده، و بندگان خدا همه در چشم او محبوب و محترم واقع گشته، و مطلوب و مقصود او در سیر زندگی تحصیل کمال و قرب به خداوند متعال خواهد بود. اینست که بذل و بخشش و خیرخواهی و خدمت به نوع و دستگیری از بندگان خدا در نزد او بسیار پسندیده و مطلوب خواهد بود» (مصباح‌الشریعه، ۱۳۶۰: ۲۲۰). همچنین امام صادق (ع) فرمود: «مؤمن کسی است که کسبش حلال و اخلاقی نیکو و باطنش سالم باشد، و زیادی مالش را انفاق کند و...» (کلینی، ج ۳، ۱۳۶۹: ۳۳۱). کارکرد اساسی و ضرورت مسئله انفاق به تقویت و یاری رساندن ضعفا و فقرای جامعه مربوط می‌شود به طوری که در روایاتی اهمیت و جایگاه این عمل نیک را در نزد خدا آنچنان می‌دانند که فرد حتی در تنگدستی نیز از این کردار نباید دوری جوید (کلینی، ج ۳، ۱۳۶۹: ۱۶۱)، اما با توجه به دلیل پیدایی و کارویژه مهمی که این عمل در جامعه اسلامی بر عهده دارد می‌توان گفت برای رسیدن به هدف و غایت انفاق، تولید ثروت نقشی جدی و اساسی ایفا می‌کند؛ چنانچه در کتاب مصباح‌الشریعه که منصوب به امام صادق (ع) می‌باشد، آمده است: «در علوم فلسفی ثابت شده است که - فاقد شیء معطی شیء نمی‌شود - یعنی شخصی که چیزی را ندارد نمی‌تواند به دیگری ببخشد، زیرا بخشیدن فرع داشتن است، و کسی که خود تهی دست است چگونه می‌تواند انفاق کند. انسان ضعیف است، و نیروها و توانایی او کافی نیست که بتواند خود را از گرفتاری‌های داخلی و از حوادث و ناملازمات خارجی نگهداری کرده، و منافع و عوائد خود را حفظ کند. چنان که انسان در حفظ منافع و جلب عوائد خود استقلال تمام نداشته و نمی‌تواند اطمینان و اعتماد به قدرت خود پیدا کند. همین طور است نسبت به دیگران، یعنی هرگز نیرو و توانایی آن ندارد که صد در صد بتواند منافع آنان را حفظ کرده و موانع و پیش آمدهای خارجی و داخلی را از آنان دفع و برطرف کند» (مصباح‌الشریعه، ۱۳۶۰: ۱۹۸).

انفاق در اسلام و تشیع اشکال مختلفی از جمله قرض‌الحسنه و زکات داشته که هر کدام دارای ویژگی‌ها، شرایط و درجات متفاوتی است:

#### ۱.۱.۴ قرض‌الحسنه

از جمله اشکال و مظاهر انفاق که در متون اسلامی - شیعی بسیار بر آن تأکید شده، «قرض‌الحسنه» است. در سوره حدید آمده: «کیست که به خداوند وام نیکو دهد تا خدا آن را برای او چند برابر کند و او را پاداشی پر ارج و پسندیده باد» (سوره حدید، آیه ۱۱). امام صادق (ع) در مورد مفهوم

قرض الحسنه می‌فرماید: «هر کس به خاطر رضای خدا به مؤمنان قرض دهد، خداوند تبارک و تعالی قرض او را در شمار صدقه محسوب می‌دارد و تا موقعی که قرض خود را دریافت نکرده، از برکات صدقه و آثار آن بهره‌مند خواهد بود» (کلینی، ج ۳، ۱۳۶۳: ۱۰۲).

امام زین‌العابدین (ع) در صحیفه سجاده اینچنین مناجات می‌کنند: «ای خدای من، تو کسی هستی که در معامله با بندگان خود، همواره به سود آنان در بها می‌افزایی و می‌خواهی که در معامله با تو سود برند و به افزون‌دهی و نزول بر آستان تو کامیاب شوند، که تو خود گفته‌ای - بزرگ و متعالی است نام تو و بلند است مرتبت تو - «هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر به او پاداش داده شود و هر که کار بدی انجام دهد، تنها همانند آن کیفر بیند.» و نیز تو خود گفته‌ای: «مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند مثل دانه‌ای است که هفت خوشه بر آورد، و در هر خوشه‌ای صد دانه باشد، خدا پاداش هر که را که بخوهد، چند برابر می‌کند.» و نیز تو خود گفته‌ای: «کیست که به خدا قرض الحسنه دهد، تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟» و نظایر این آیات که در قرآن در باب مضاعف شدن حسنات نازل کرده‌ای» (صحیفه سجاده، ۱۳۷۵: ۲۸۲).

در کتاب "شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت" در مورد این مقوله چنین آمده است: «قرض حسن، عبادت کاملی است که شرایط قبولی را داشته باشد و از جمله آن شرائط ایمان است، بنابراین مؤمنین هستند که خداوند کار خیرشان را چند برابر می‌نماید نه دیگران، و برای هر کار خیری ده برابر و چه بسا هفتاد برابر پاداش دهد، و این برتری مؤمن بر مسلم است، و بالاتر از این خداوند به میزان ایمان حسنات بعضی از افراد را تا هفتصد برابر یا بیشتر پاداش دهد، و خداوند هر خیری را بخوهد که جز خودش دیگری از آن با خبر نیست درباره مؤمن انجام دهد چنانچه می‌فرماید (وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ) یعنی و افزون‌تر از آن نزد ما خواهد بود» (مجلسی، ج ۱، ق ۱۳۹۷: ۳۴۵).

نکته مهم در عبارات مذکور این است که مقوله انفاق و قرض الحسنه، وجه ممیزه و افتراق مسلمان و مؤمن است و از نشانه‌های وجود ایمان عمیق و واقعی خواهد بود. از این منظر افراد نمی‌توانند به ایمان کامل و حقیقی مشرف شوند بدون اینکه بر انفاق و قرض الحسنه عمل کنند. هر چند مؤمنین در هر شرایطی اعم از تنگدستی و گشاده‌دستی باید برای ابراز و اثبات ایمان به پروردگار انفاق و قرض دهند اما با توجه به کارکرد اقتصادی که این مقوله در جامعه اسلامی دارد، در عمق و فحوی قرض الحسنه، تولید ثروت به عنوان ضروری‌ترین لوازم عمل به این تکلیف الهی برای زیست مؤمنانه خودنمایی می‌کند.

#### ۲.۱.۴. زکات

از دیگر اشکال انفاق، زکات است که بر نه چیز واجب است که البته شرایط و مسائل خاصی دارد و مجال تبیین آن در این نوشتار نمی‌گنجد؛ اما مسئله زکات تا بدان‌جا اهمیت یافته که خداوند از جمله ویژگی‌ها و وجوه ممیزه اولیاء خویش را پرداخت کردن زکات می‌داند (مانده، آیه ۵۵). امام خمینی (ره) در کتاب تحریرالوسیله زکات را از ضروریات دین دانسته و منکر وجوب زکات را کافر می‌داند (امام خمینی، ج ۲، ۱۳۸۵: ۵۱). درباره اهمیت پرداخت زکات آثار فقهی و کلامی متعددی به رشته تحریر در آمده که در این نوشتار از بازخوانی این مسئله صرف‌نظر می‌شود.

با این وصف، همواره این پرسش مطرح است که زکات به عنوان یکی از فروع دین اسلام چه کارویژه مهمی را در جامعه به خود اختصاص می‌دهد که در آیات و روایات مختلف در مذمت غافلان و مدح مؤمنان زکات بسیار سخن رفته است. در این باره می‌توان به بخشی از وصیت‌نامه امام علی (ع) اشاره کرد: خدا را خدا را در نظر بگیرید درباره زکات، که غضب پروردگارتان را خاموش می‌کند (هلالی، ج ۱، ۱۴۱۶: ۶۴۱). این توصیه امیرالمؤمنین (ع) نشان می‌دهد که ایمان به پرداخت زکات چه جایگاه ویژه‌ای در نزد پروردگار دارد.

آنچه در این دستور و همه دستورات الهی مسلم و قطعی است، وجود حکمت و به بیانی کارکرد و دلیل وجوب زکات می‌باشد. آنچنان که در کتب فقهی نیز به کرات تکرار شده شیوه مصرف زکات بوده که شامل فقرا، مساکین، مؤلفه قلوبهم، بردگان، بدهکاران، عام‌المنفعه و فی سبیل‌الله، ابن‌السبیل و غربا می‌شود (امام خمینی، ج ۲، ۱۳۸۵: ۹۰). این مصارف زکات نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین دلیل وجودی مسئله، رفع ناتوانی و ضعف مردم توسط توانگران است؛ چنانکه مرحوم کاشف‌الغطاء به عنوان یکی از فقهای بزرگ شیعه در فواید و آثار اجتماعی این امر می‌گوید: «فواید این قانون منحصر به جنبه مادی نیست، بلکه در آن فایده‌های اجتماعی نیز وجود دارد، از قبیل: الفت و پیوستگی بین طبقات، عطوفت و مهربانی بعضی به بعض دیگر، ریشه‌کن کردن فساد و تباهی؛ بر انداختن آشوب و فتنه‌انگیزی در میان جامعه بشری که گسترده‌ترین و بزرگ‌ترین مصیبت است؛ زیرا در قانون زکات پاشیدن بذر محبت و مودت است؛ بین گروه توانگر و طبقه تهیدست و ثروتمند با پرداخت اندکی از دارایی خویش، آن هم با کمال خوشوقتی و رضایت باطنی به خاطر ادای وظیفه دینی و انجام واجب الهی و میل به اخذ اجر

معنوی؛ به فقیر و تنگدست، سود می‌بخشد تهیدست هم بدون احساس اهانت و بی‌احترامی و ذلت و خواری؛ آن را اخذ می‌کند، زیرا وی به عنوان یک حق از خداوند که خالق و مالک اوست، دریافت می‌دارد» (عبداللہی، ۱۳۵۱: ۱۳۷).

این سخنان مرحوم کاشف‌الغطا در مورد کارکردهای فوق‌العاده زکات در جامعه اسلامی مبنی بر ایجاد الفت اجتماعی و از بین بردن فقر و ضعف در طبقات فرودست، می‌تواند خود بزرگترین انگیزه الهی برای تولید ثروت در میان مؤمنان باشد چرا که هر قدر مؤمنان بیشتر به تولید و افزایش ثروت مبادرت ورزند، به همان میزان باید زکات بیشتری پرداخت نموده و به همین روی در اصلاح جامعه و از بین بردن فقر و بیچارگی نقش پررنگ‌تری ایفا می‌نمایند. در همین باره امام صادق (ع) می‌فرماید: «همانا که زکات برای آزمایش اغنیا، و کمک به فقرا وضع شده است، و اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی فقیر و محتاج نمی‌ماند، و هر آینه با سهمی که خدای عزّ و جلّ برای او مقرر فرموده است مستغنی می‌شد، و مردم فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نشده‌اند مگر به علت گناهان اغنیا، و خدای عزّ و جلّ را سزاوار است که رحمت خود را از کسی که حقّ خدا در مال خود را باز داشته است بازدارد و به آن کسی که خلق را آفریده و خوان رزق را گسترده است قسم یاد می‌کنم که هیچ مالی در خشکی یا دریا تباه نمی‌شود مگر به علت ترک زکات، و هیچ صیدی در خشکی یا دریا شکار نمی‌شود مگر به علت ترک تسبیح در آن روز، و همانا که محبوب‌ترین مردم نزد خدای عزّ و جلّ گشاده‌دست‌ترین ایشان است، و سخاوتمندترین مردم کسی است که زکات مال خود را بپردازد، و درباره مؤمنین نسبت به حقّی که خداوند عزّ و جلّ برای ایشان در مال او مقرر داشته است، بخل نورزد» (ابن بابویه، ج ۱۳۶۷: ۳۰۶، ۲).

#### ۲.۴. دعوت

آنچنان که پیش از این نیز ابراز شد بر اساس آموزه‌های اسلام و تشیع، مالکیت از آن خداست و دارایی‌های اهل ایمان به مثابه امانتی است که باید در راستای اعتلای اسلام، کمک به مسلمانان و دعوت دیگران به ایمان الهی قرار گیرد. هرچند در مقوله دعوت مسائلی نظیر اخلاق حسنه، رفتار نیک، علم و دانایی بسیار مهم تلقی می‌شوند و بر جذب «غیر» به اسلام تأثیر بسزایی دارند؛ لیکن به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند در تغییر نگاه «دیگران» به تشیع و اسلام که بر اثر تبلیغات دولت‌های غربی (پروژه‌های اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی) نقش عظیمی داشته باشد، توسعه یافتگی

و زیست مادی مؤمنان است. در واقع زمانی که «دیگران» افزون بر سطح بالای معنویت، انسان‌دوستی، محبت به سایر، اخلاق‌مداری اجتماعی و حقیقت‌جویی را در روابط اجتماعی و جامعه مؤمنان می‌بینند، توسعه‌یافتگی و آبادانی شهرها و کشورهای اسلامی را نیز ملاحظه نمایند، طبیعی است که به باور آنان گرایش خواهند یافت. در واقع از این منظر مؤمنان با کار و تلاش اقتصادی و به دنبال آن تولید ثروتی که منجر به آبادانی جامعه می‌شود، می‌توانند بهترین الگوی زیستن را ارائه نمایند که در آن معنویت و زندگی مادی به هم گره خورده و موجب تعالی یکدیگر می‌شود. در موضوع ضرورت دعوت عملی حضرت صادق(ع) می‌فرماید: «با غیر زبان‌هایتان مردم را دعوت کنید» (کلینی، ج ۱۳۶۹: ۱۲۳، ۳). از حضرت امام علی(ع) نیز چنین حکایت شده است: «هر کس خویش را پیشوای دیگران قرار داد، باید اصلاح خویش را بر اصلاح دیگران مقدم بدارد و پیش از آن که مردم را با زبان خود دعوت نماید، با سیرت و رفتار خود دعوت کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳).

### ۳.۴. تألیف قلوب

همانطور که در باب زکات گفته شد در سوره توبه مصارف زکات تعیین شده که در آن میان افزون بر تهیدستان و در راه ماندگان به کسانی که با اعطای مال دلشان به اسلام متمایل می‌شود نیز گنجانده شده است (توبه، آیه ۶۰). در تفسیر عبارت «مؤلفه قلوبهم» آمده است: «[زکات] برای افرادی است که با دادن سهمی از آن دلشان به اسلام متمایل می‌شود یا اگر مسلمان نشوند به مسلمین برای دفع دشمن کمک می‌کنند یا در رفع پاره‌ای از حوایج دینی کاری می‌کنند» (پوریوسف، ۱۳۸۷: ۵۰۶).

در تعریف مؤلفه القلوب، گفته شده آنان کسانی بودند که پیامبر اکرم(ص) دوست داشت به خدا ایمان آورند و دین اسلام را بپذیرند و از این رو به تألیف قلوب آنان (دلجویی از آنان) می‌پرداخت. ضعف‌العقول از مسلمانان نیز در زمره این گروه (مؤلفه القلوب) به شمار می‌آیند، چون با رسیدن پول زکات به ایشان اعتقادشان تقویت می‌شود، یا تمایل به یاری در امر جهاد و دفاع پیدا می‌کنند» (حکیمی و دیگران، ج ۴، ۱۳۸۰: ۵۰۶).

برخی از فقیهان - چنان که اشاره شد - مؤلفه القلوب را عمومیت داده، آن را شامل «مسلمان سست اعتقاد نسبت به معارف دینی» نیز دانسته‌اند، و به ایشان زکات می‌دهند تا مسلمانی آنان بهتر

شود و بر دین خود استوارتر بمانند» و این اهتمام بزرگی است از اسلام، زیرا که برای پیروی از حقیقت و هدایت و جستجوی سعادت، حتی از راه قرار دادن سهمی از اموال، مردمان را تشویق می‌کند، و این هدفی است بس متعالی و انسانی (حکیمی و دیگران، ج ۶، ۱۶۳۸۰: ۳۴۸). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود لازمه عمل به این اصل و این وظیفه ایمانی نیز جز با تولید ثروت و در دست داشتن ثروت و امکانات مناسب مالی از سوی مؤمنان محقق نخواهد شد.

#### ۴.۴. نفی سییل

قاعده نفی سییل را می‌توان در زمره بارزترین و روشن‌ترین مؤلفه‌های مؤکد اقتصادی برای شیعیان دانست زیرا این اصل بیش از هر چیز دیگری بر عدم وابستگی مؤمنان به «غیر» ارتباط می‌یابد. وجود روابط اجتناب‌ناپذیر میان مؤمنان و غیر، سبب تعامل در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود که این روابط در صورت ایجاد وابستگی ناهمگون و غیر متوازن حاصل از تفاوت در توانمندی‌ها، استعدادها، قدرت و ثروت سبب بروز و ظهور استیلا و توفیق «غیر» بر مؤمنان خواهد شد. در همین راستا، مفهوم نفی سییل از جمله مؤلفه‌های مهم فقه سیاسی تشیع است که گویای نوع روابط طرفین است. در سوره نساء آمده است: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان سلطه نمی‌دهد» (نساء، آیه ۱۴۱). به عقیده بسیاری از فقها منظور از قاعده نفی سییل این است که خداوند در شریعت اسلام، حکمی را که سبب استیلا و استعلاء کافران بر مؤمنان شود، جعل نکرده است و این بدان معناست که مؤمنان باید از عملی که به تسلط کافران بر ایشان منجر می‌شود، پرهیز نمایند (علیدوست، ۱۳۸۳: ۲۳۳). در این میان آنچه در فقه سیاسی شیعی در روابط دولت‌های اسلامی وظیفه هر فرد است که از باورهای ایمانی دفاع کند و بر اساس اصل نفی سییل در مقابل تفوق، برتری و سلطه کفار بایستد. در این رابطه علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۴۱ سوره نساء نکته‌ای ظریف را مطرح می‌کند: «خدا راهی برای تسلط کافران بر مؤمنین قرار نداده و تا وقتی آن‌ها مؤمن واقعی هستند و وظایف خود عمل می‌کنند، دائماً پیروزند» (پوریوسف، ۱۳۸۷: ۲۷۹). نکته‌ای که در تفسیر این آیه وجود دارد این است که شرط عدم تسلط کافران بر مؤمن را ایمان واقعی و انجام وظایف دینی و الهی می‌داند. از این منظر مؤمنان باید در انجام وظایف خود بکوشند و در غیر این صورت کافران بر ایشان استیلا می‌یابند.



آنچنان که پیش از این آمد، از جمله وظایف و اعمالی که مؤمن باید بر آن ممارست داشته باشد، کار و تلاش اقتصادی و اهتمام به آبادانی زمین است. امام علی(ع) در باب ضرورت قدرت اقتصادی و مضرات فقر اقتصادی جملات زیبا و عمیقی دارند که می‌توان در همین راستا به این عبارت استناد نمود: «به هر کس که می‌خواهی احسان کن تا امیر او باشی، و به هر کس که می‌خواهی محتاج باش تا اسیر او باشی، و از هر کس که بخواهی بی‌نیاز باش تا همانند او باشی» (ابن بابویه، ج ۲، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

افزون بر آیه ۱۴۱ سوره نساء، می‌توان به آیه ۶۰ سوره انفال اشاره داشت: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم» که به صراحت مؤمنان را موظف به تقویت و افزایش قدرت در برابر کفار و معاندین با اسلام می‌سازد و این بدان معناست که اسلام در پی ضعف و وادادگی نبوده و مؤمنان را به کسب قدرت و افزایش نیرو (البته با در نظر گرفتن اخلاقیات و احکام شرع، به عنوان وسیله و ابزار برای نجات مستضعفین از شر مستکبرین) تشویق می‌نماید. در این میان باید اشاره داشت که استیلای کفار بر مؤمنان مصادیق و ابعاد مختلفی داشته که از جمله وجوه آن مسئله تسلط اقتصادی است، و البته باید گفت که تسلط اقتصادی می‌تواند راه تسلط سیاسی و به تبع آن تسلط فرهنگی را بگشاید (ایزدهی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). امام خمینی در این راستا می‌گویند: «اگر روابط بازرگانی دول یا تجار با بعضی از دول یا تجار بیگانه، ترس بر بازار مسلمین و زندگی اقتصادی آن‌ها باشد واجب است آن را ترک کنند، و چنین تجارتی حرام می‌باشد. و در صورت چنین ترسی، بر رؤسای مذهب (واجب) است که کالاهای آنان و تجارت با آن‌ها را طبق مقتضیات زمان تحریم نمایند. و بر امت اسلامی متابعت آنان (واجب) است، چنان‌که بر همه آن‌ها واجب است که در قطع این روابط جدیت کنند» (امام خمینی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۵۵۳).

بنابراین حکم فقهی می‌توان استنباط کرد که برای جلوگیری از تسلط اقتصادی اغیار بر مؤمنان مسئله خودکفایی در تولیدات و تولید ثروت بسیار اهمیت می‌یابد. در این ارتباط شهید مطهری نیز تصریح می‌کند که اسلام بر اساس مقتضیات زمان، نیازها و حاجات را در قالب فقه و اجتهاد تعریف می‌نماید حال آنکه در جهان امروز افزایش توان اقتصادی نقش بسیاری را در نیرومند ساختن ملل اسلامی و عدم برتری کفار بر ایشان داراست (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۳۹). بر این اساس و در شرایطی که برخی دولت‌های خارجی از مناظر گوناگون توفیقاتی را به دست آورده و برتری

دارند، این مسئله نشان می‌دهد که مؤمنان وظایف الهی و دینی خویش را به تمامی انجام نداده و بر آبادانی سرزمین خویش همت نگمارده‌اند و به دیگران با بی‌تفاوتی اجازه سلطه‌یابی داده‌اند. از این منظر و بر اساس آرای فقهای شیعه زمانی که موجودیت ایمانی به خطر می‌افتد جهاد واجب می‌شود (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۳۱) و حال آنکه در شرایط فعلی که نشانگان استیلای غیر از حیث اقتصادی آشکار است، از جمله ضرورت‌ها و بایسته‌های رفع این معضل تولید ثروت خواهد بود که به تعبیری باید آن را «جهاد اقتصادی» نامید. بر این اساس مفهوم نفی سبیل در تمام شرایط زمانی و مکانی از صدر اسلام تا حال حاضر نشان می‌دهد که تولید ثروت و پویایی اقتصادی از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های ایمانی بوده و باید بر تحقق این مهم همت گمارد.

### نتیجه

این مقاله کوشید به منظور تبیین وظایف ایمانی و زیست مؤمنانه در سبک زندگی شیعی جایگاه و اهمیت تولید ثروت را مطابق با آموزه‌های مکتب تشیع نشان دهد. برای نیل به این هدف نوشتار حاضر ابتدا به تبیین دو مفهوم «تکاثر» و «زهد» به مثابه دو سبک زندگی متفاوت پرداخت و در ادامه بر مبنای آرا و سیره عملی معصومین و علمای شیعی معنای این دو مؤلفه مهم بازشناسی شد؛ مقاله سپس به بررسی برخی از منقولات دینی در رابطه با کار، تلاش و تولید ثروت پرداخت و پس از آن با بررسی گزینشی چهار وظیفه مهم ایمانی «انفاق»، «دعوت»، «تألیف قلوب» و «نفی سبیل» که آثار اجتماعی فراوانی دارد، نشان داد تحقق این وظایف مستلزم تولید ثروت است. سرانجام این مقاله بر این نکته تأکید داشت که بهترین راه جذب دیگران به تشیع، وضعیت شیعیان است و اگر شیعیان از سویی بتوانند با تولید ثروت، فقر را در میان خود نابود سازند و زمینه‌های شوکت را بر مبنای قاعده نفی سبیل فراهم آورند، دشمنان نخواهند توانست با استناد به داشته‌های مادی خود ارزش‌های شیعی را کم اهمیت جلوه دهند. بر این مبنای نظر می‌رسد یکی از بزرگترین وظایف ایمانی و مؤمنانه شیعیان، تلاش برای کار بیشتر و تولید ثروت است و این مهم تنها از طریق عمل به سیره عملی معصومین (ع) محقق خواهد شد. آنچنان که در حدیثی از امام صادق (ع) اشاره شد «ابزاری غیر از ابزار زبان» می‌تواند به اصلاح جامعه منجر شود و الگوسازی نیز به صورتی عملی محقق خواهد شد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود مؤمنان در شرایطی می‌توانند با منکرسازی دشمنان مقابله کنند که با رفع معضل فقر و انباشت ثروت و سرمایه لازم و فراوان قدرت و مکنت کافی را برای زیست ایمانی و سبک زندگی مؤمنانه فراهم کنند.

## منابع

- قرآن کریم.
- \_\_\_\_ (۱۳۶۰)، **مصباح الشریعه**، ترجمه حسن مصطفوی، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- \_\_\_\_ (۱۳۷۵)، **الصحیفه السجادیة**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات سروش.
- \_\_\_\_ (۱۳۸۶)، **نهج البلاغه: گزیده سخنان، نامه‌ها و حکمت‌های امیرالمؤمنین امام علی ابن ابیطالب (ع)**، ترجمه دکتر سیدمحمد مهدی جعفری، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۶)، **الأمالی (للسدوق)**، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۲)، **الخصال، جلد دوم**، ترجمه یعقوب جعفری، قم: انتشارات نسیم کوثر.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۲)، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی، قم: نسیم کوثر.
- ابن بابویه، محمدعلی (۱۳۷۶)، **گلچین صدوق (گزیده من لایحضره الفقیه)**، ترجمه محمدحسین صفاخواه، تهران: فیض کاشانی.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۲)، **تحف العقول**، جلد اول، ترجمه جنتی، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- ابن بابویه، محمدعلی (۱۳۶۷)، **ترجمه من لایحضره الفقیه**، جلد دوم، ترجمه علی‌اکبر غفاری، محمدرضا غفاری و صدر بلاخی، تهران: نشر صدوق.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵)، **تحریر الوسیله**، جلد اول و دوم، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات دارالعلم.
- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۰)، **فقه سیاسی امام خمینی (ره)**، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- بن ابی‌فراس، ورام و مسعود بن عیسی (۱۳۶۹)، **مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام**، جلد اول، ترجمه تنبیه الخواطر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- پوریوسف، عباس (۱۳۸۷)، **خلاصه تفاسیر المیزان و نمونه**، تهران: نشر شاهد.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، **مفاتیح الحیاء**، قم: مرکز نشر اسراء.
- حرانی، حسین بن علی (۱۳۶۳)، **تحف العقول**، قم: جامعه مدرسین.
- حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۰)، **الحیاء**، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عبداللهی، عبدالکریم (۱۳۵۱)، **کمونیسیم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام**، مشهد: کتابفروشی جعفری.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، «قاعده نفی سییل»، **دوفصلنامه مقالات و بررسی‌ها**، دفتر ۷۶، شماره ۳.
- عمید زنجانی، عباسعلی و ابراهیم موسی‌زاده (۱۳۹۱)، **بایسته‌های فقه سیاسی**، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، **گزیده کافی**، ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، **اصول الکافی**، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۹۷ق)، **شعبه در پیشگاه قرآن و اهل بیت (ع)**، (ترجمه جلد ۶۵ **بهار الانوار**)، ترجمه علی تهرانی، تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عج).
- مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۷۵)، «مفهوم توسعه در قرآن و حدیث»، **مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، **اسلام و مقتضیات زمان**، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، **حق و باطل**، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، **سیری در نهج البلاغه**، تهران: انتشارات صدرا.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۸۷)، **معراج السعاده**، تهران: انتشارات ولی عصر (عج).
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۱۶ق)، **أسرار آل محمد (ع)**، جلد اول، ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم: نشر الهادی.